

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





۱۵..... **دِباچه** ❁

باب پنجم / تفکر ۳۳

والاثرین مواجهه با قرآن ۳۵

❁ **نشانه اول:** به جمع متفکران پیوندید ۳۷

❁ **نشانه دوم:** متعلقات تفکر ۴۰

❁ **نشانه سوم:** ریسمانی آویخته از مبداء تا زمین ۴۳

❁ **نشانه چهارم:** قرآن؛ کتاب تمام دوران ها ۴۴

❁ **نشانه پنجم:** تفکر؛ تنها مسیر انس با کلام خدا ۴۵

● **چکیده مباحث** ۴۶

کوشش خرد برای نیل به مطلوب ۴۷

❁ **نشانه اول:** معنای عرفانی و معنوی تفکر ۴۸

❁ **نشانه دوم:** بهره‌گیری از تفکر؛ تنها راه نیل به اهداف ۴۸

❁ **نشانه سوم:** پویایی در زندگی ۵۱

● **چکیده مباحث** ۵۲





- انواع تفکر..... ۵۳
- نشانه اول: ملازمت تفکر با شرع و کشف ۵۵
- نشانه دوم: غایت خلقت انسان؛ کشف حُجب باطنی ۵۵
- نشانه سوم: تعلیم عام و تعلیم خاص ۵۹
- نشانه چهارم: نسبت انسان با خداوند ۶۵
- نشانه پنجم: مهم‌ترین اصلاح در حوزه عمل ۸۰
- نشانه ششم: احکام نه‌گانه عمل ۸۳
- چکیده مباحث ۹۵

- تفکر در زیبایی‌های آفرینش و معانی اعمال و احوال ۹۹
- نشانه اول: حکمت؛ خیر فراوان ۱۰۱
- نشانه دوم: فاطمه زهرا (ع)؛ مادرِ حکمت ۱۰۱
- نشانه سوم: پیوند امامت و حکمت ۱۰۲
- نشانه چهارم: ماجرای اشیاء و جهان پیرامون ما ۱۰۳
- چکیده مباحث ۱۰۹





- رهای از تفکر در ذات حق ۱۱۱
- ❁ نشانه اول: ناتوانی اندیشه در دستیابی به حقیقت توحید ۱۱۲
- ❁ نشانه دوم: نومی‌دی از رسیدن به نهایت ذات ۱۱۳
- ❁ نشانه سوم: بزرگداشت آفریدگار هستی ۱۱۴
- چکیده مباحث ۱۱۵

- دریافت زیبای‌های آفرینش ۱۱۷
- ❁ نشانه اول: نگریستن ظرافت‌های خلقت خویش ۱۱۸
- ❁ نشانه دوم: فراهم‌بودن شرایط رشد ۱۱۹
- ❁ نشانه سوم: اجابت فراخوان‌های پروردگار ۱۲۱
- ❁ نشانه چهارم: رهایی از بند شهوات ۱۲۲
- چکیده مباحث ۱۲۵





- شرایط رسیدن به اندیشه در مراتب اعمال و احوال ۱۲۷
- ❁ نشانه اول: همنشینی با علم و عالمان ۱۲۹
- ❁ نشانه دوم: ناچیز انگاشتن رسوم ظاهری ۱۳۱
- ❁ نشانه سوم: دل در گرو خالق عالم بنهیم ۱۳۳
- چکیده مباحث ۱۳۸
- ❁ حاصل سخن ۱۴۰

- باب ششم / تذکر ۱۴۵
- نیل به مطلوب ۱۴۷
- ❁ نشانه اول: اول انابه، سپس تذکر ۱۴۸
- ❁ نشانه دوم: اهل انابه در زمره خردمندان ۱۴۹
- ❁ نشانه سوم: وضعیت خلوص عقل ۱۴۹
- ❁ نشانه چهارم: ویژگی های صاحبان لب ۱۵۱
- ❁ نشانه پنجم: عقل و میل ۱۵۲
- چکیده مباحث ۱۵۵





- منزلی برتر از تفکر..... ۱۵۷
- نشانه اول: تذکر؛ وجدان امر مطلوب ۱۵۸
- نشانه دوم: راهنما؛ در پی جوینده ۱۵۸
- نشانه سوم: از آدمی تلاش برآید ۱۵۹
- چکیده مباحث ۱۶۲

- بنیاد تذکر..... ۱۶۳
- نشانه اول: بهره‌مندی از موعظه ۱۶۴
- نشانه دوم: بهره‌گیری از عبرت ۱۶۵
- نشانه سوم: عبرت‌گیری از تاریخ ۱۶۸
- نشانه چهارم: در راستای ساختن ابدیت ۱۶۹
- نشانه پنجم: نسیم‌های نوازشگر الهی ۱۷۲
- نشانه ششم: دستیابی به ثمره اندیشه ۱۷۴
- نشانه هفتم: علم موهوبی ۱۷۸
- چکیده مباحث ۱۷۹





- شرایط بهره‌مندی از اندرزها ۱۸۱
- نشانه اول: احساس نیاز شدید ۱۸۲
- نشانه دوم: تفکیک میان مواعظ و عمل و اعظ ۱۸۴
- نشانه سوم: به خویشتن خویش بپردازید ۱۸۵
- نشانه چهارم: یادآوری وعده و وعید الهی ۱۸۶
- چکیده مباحث ۱۸۸

- شرایط عبرت‌آموزی ۱۸۹
- نشانه اول: عقل زنده ۱۹۰
- نشانه دوم: راهنمای آدمی برای درک نشانه‌ها ۱۹۲
- نشانه سوم: عقل زنده و عقل مُرده ۱۹۳
- نشانه چهارم: عقلی که به کار دین نمی‌آید ۱۹۴
- نشانه پنجم: زندگی، فقط پاک است ۱۹۴
- نشانه ششم: شناخت روزگاران ۱۹۷
- چکیده مباحث ۲۰۱





اسباب میوه چینی از درخت تفکر..... ۲۰۳

نشانه اول: کوتاه ساختن آرزوها..... ۲۰۵

نشانه دوم: رسوخ دعوت مرگ به عمق جان..... ۲۰۷

نشانه سوم: اندیشه ورزی در قرآن..... ۲۰۹

نشانه چهارم: نفوذ به لایه های عمیق آیات..... ۲۱۰

نشانه پنجم: قلب گشوده به روی حقایق..... ۲۱۱

نشانه ششم: کاستن از هم آمیزی با دیگران..... ۲۱۴

نشانه هفتم: ضرورت اصلاح خاستگاه رفتار..... ۲۱۶

نشانه هشتم: کاستن از خواسته ها..... ۲۱۷

نشانه نهم: سنت خدا؛ بی اعتماد ساختن به غیر خدا..... ۲۲۰

نشانه دهم: نسبت میان رنج و رحمت رحمان..... ۲۲۴

نشانه یازدهم: راهی به سمت زندگی سالم..... ۲۲۶

نشانه دوازدهم: نحوه تدبیر تغذیه..... ۲۲۸

نشانه سیزدهم: آدمی، مظهر خواب است..... ۲۳۲

نشانه چهاردهم: پدیده شب و روز در نگرش خداوند..... ۲۳۵

نشانه پانزدهم: روح تهجد..... ۲۴۰

● چکیده مباحث..... ۲۴۲

حاصل سخن..... ۲۴۵

کتاب نامه..... ۲۵۳



دبیاجه

معرفت، مهم‌ترین عامل برتری انسان است. انسان به وسیله عقل، که مهم‌ترین قابلیت وجودی اش است، می‌تواند راه معرفت را برگزیند یا در تاریک‌خانه نادانی و رکود، از تلاش و کوشش برای نیل به عرفان، خود را محروم نماید.

نیک‌بختی و شوربختی ایام عمرو نیز سعادت‌مندی و شقاوت‌مندی زندگی، محصول تصادف یا جبر و کُهری که ملازم حیات بشر باشد، نیست، بلکه عینیت انتخاب‌ها و سلوک‌های لحظه به لحظه آدمی است. زندگی در عین پیچیدگی ظاهری، از وضوح و شفافیت باطنی حیرت‌انگیزی برخوردار است. بشر به میزان توجه و دقت‌ورزی در رویارویی با شرایط گوناگون و متعدد زندگی، زمینه بهره‌وری افزون‌تر یا محرومیت بیشتر خویش را از حقایق عمیق و لطایف شیرین آفرینش فراهم می‌آورد. بی‌شک، خالق کائنات و نیروهای بی‌شمار او در زمان مناسب و به مقتضای فضل و عدل، بهره‌مندی یا حرمان وی را رقم می‌زنند.

به‌طور کلی، وضعیت بنی‌آدم بعد از هبوط دو گونه است؛ صعود یا سقوط.

بعد از آنکه پدر انسان‌ها از میوه ممنوعه استفاده کرد و عصیان خدا نمود، هبوط نصیب آدم و فرزندان وی شد و از این طریق جایگاه و محل استقرار دائمی انسان‌ها سیاره منجمدی به نام زمین شد:

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَبَّاهُ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ * قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هَٰذَا فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ؛ آنگاه از آن [درخت ممنوعه] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسباندن برگ‌های بهشت بر خود و [این‌گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت سپس پروردگارش او را برگزید و براو ببخشود و [وی را] هدایت کرد.

هر یک از فرزندان آدم به راهی رفتند و مسیری برای خود برگزیدند. با نگاه کلی می‌توان گفت که آدمیان یکی از دو راه را در پیش گرفتند؛ برخی به سمت آسمان رفتند و راه هدایت، رفعت و صعود پیش گرفتند و بعضی دیگر زمینی شدند مسیر گمراهی، نابودی و سقوط را پیمودند:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ؛ [که] به راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم سپس او را به پست‌ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم.

هر لحظه دو راه پیش‌روی انسان وجود دارد؛ راهی به سمت بالا و راهی به سوی پایین، مسیری در راستای آسمان و مسیری به سمت زمین، راهی به رهایی و راهی به وابستگی، جاده‌ای به سمت خدا و جاده‌ای به سمت خودیت و در یک کلام مسیری به سمت صعود یا سقوط. کسی که در مسیر هدایت و صعود باشد، اهل رشد است و در اصطلاح قرآنی «رشد» نامیده می‌شود و تحت پوشش نام «رشد» خدا خواهد بود. اما کسی که زمینی باشد، نردبان سقوط و تنزل را می‌پیماید و تحت پوشش اسم «مُضِلُّ» قرار می‌گیرد. انسان‌ها یا اهل صعودند یا اهل سقوط و خود به این امر واقف‌اند و بصیر؛ زیرا که خداوند معرفت به این دو مسیر را درون انسان‌ها به ودیعت نهاده است:

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ

اَسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَاءَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است.

فَالْتَمَسْنَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا؛^۱ سپس پلیدکاری و پرهیزکاری اش را به آن الهام کرد.

پرسش جالبی رخ می‌نماید و آن اینکه چه عاملی سبب صعود یا رشد می‌شود؟ و چه سببی موجب سقوط و گمراهی می‌گردد؟ پاسخ قرآن بسیار ناب است. آخرین کتاب آسمانی بر این نکته پای می‌فشارد که سازندهٔ صعود و آفرینندهٔ سقوط تنها یک چیز است: عمل. اگر انسان عمل درست و به اصطلاح «صالح» انجام دهد در مسیر رفعت و بلندا قرار گرفته است و اگر عملی سوء و نادرست از او صادر شود، راه سقوط در پیش گرفته است. از آنجاکه انسان در هر لحظه مشغول عمل است و فعل او می‌تواند خوب یا بد باشد پس در هر لحظه و با هر رفتاری، در نردبان هستی بالا یا پایین می‌رود.

چون نیک بنگریم میان انسان و خدا راه‌های متعددی کشیده شده است. هرگز مسیری که به سمت خدا می‌رود انحصاری نیست و نمی‌تواند باشد؛ چراکه انسان‌ها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، چنانکه اعمال خوب بی‌شمارند. پس می‌توان گفت به تعداد انسان‌ها بلکه عمل‌های خوب، راهی به سوی آسمان وجود دارد و هر انسانی از مسیری می‌تواند تکامل یابد:

راه‌ها به سمت خدا به تعداد انسان‌ها است.^۲

راه‌ها متفاوت‌اند. مسیرهایی که به سمت آسمان و نیل به حقیقت کشیده شده‌اند، بسیار متفاوت و متنوع‌اند. میان انسان و خدا هرگز مسیر واحدی وجود ندارد بلکه هر لحظه و در برابر هر انسانی، راه‌های گوناگونی به سوی خدا هست و انسان می‌تواند با گام نهادن در هر یک، خود را تا حدی بالا کشد و بالا برد.

اگر به جاده‌های دنیا هم نگاه کنیم در آن‌ها تنوعات زیادی می‌بینیم؛ برخی سنگلاخی‌اند، برخی ماسه‌ای، برخی یک‌طرفه، برخی دوطرفه، برخی کوهستانی،

۱. بقره، ۲۵۶.

۲. شمس، ۸.

۳. نخجوانی، فواتح الالهیه، ج ۱، ص ۲۰؛ مدرسی، من هدی القرآن، ج ۱۲، ص ۲۳۶؛ حقی بروسوی، روح

البیان، ج ۳، ص ۲۷۲؛ طیب، اطیب البیان، ج ۵، ص ۲۸۷.

برخی اتوبانی و بعضی دیگر آن چنان وسیع و پرحجم اند که گاه دوازده باند دارند. راه‌های معنوی نیز چنین است؛ برخی ناهموارند و بعضی دیگر هموار، برخی یک باند دارند و بعضی دیگر چند باند و برخی در کویرند و بعضی دیگر در گلستان.

واقعیت آن است که هرکدام از خوبی‌ها و ارزش‌ها یک مسیر محسوب می‌شوند و می‌توانند راه هدایت باشند و آدمی را به سمت خوبی یا زیبایی دیگری سوق دهند؛ «شکر» یک مسیر است، «صبر» یک راه است، «نماز و عبادت» یک طریق است، «دعا» راهی است به سمت هدایت، «ذکر» مسیری است که انسان‌ها را بالا می‌برد، «صداقت» نشان‌دهنده مسیر انسانیت است، یکی از راه‌های خوشبختی «علم و معرفت» است و «عشق» از نزدیک‌ترین راه‌ها به سمت محبوب عالم محسوب می‌گردد.

زندگی معنوی به مانند بازی مار و پله است؛ گاهی با یک حرکت زیبا، از پله‌های صعود بالا می‌رویم و زمانی با یک عمل یا فکر نادرست به پرتگاه زشتی‌ها سقوط می‌کنیم، به گونه‌ای که نه تنها تمامی پله‌های ترقی را بازمی‌گردیم بلکه چند پله‌ای را هم تنزل می‌نماییم.

واژه «حی» و «حیات» یکی از زیباترین واژه‌های قرآنی است. «حی» نام زیبایی خداست و در موارد متعددی از آیات قرآن به کار رفته است. در آیات نورانی قرآن، زندگی دو بُعد دارد؛ مادی و معنوی. عنوان «حياة الدنيا» به زندگی مادی اشاره دارد و از زندگی معنوی با واژه «حیات طیب» یاد می‌شود.

رویکرد انسان‌ها به جنبه مادی زندگی دو گونه است؛ برخی به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اند و آن را بر زندگی در سرای آخرت ترجیح می‌دهند؛^۴ از این رو به ظاهر زودگذر دنیا پسندیده می‌کنند و سرمست غرور می‌شوند.^۵ انسانی با این ویژگی‌ها، آیات و نشانه‌های الهی را به سخره می‌گیرد، فرستادگان الهی را انکار می‌کند، به قیامت ایمان نمی‌آورد و در منجالب آلودگی‌های اخلاقی و اعتقادی فرو می‌رود.

گروه دیگری از فرزندان آدم، در کنار استفاده از نعمت‌های دنیا، بهترین زاد

۴. یونس، ۷.

۵. بقره، ۸۶.

۶. روم، ۷.

۷. اعراف، ۵۱.

و توشه را از کشتزار دنیا برای آخرت خود فراهم می‌کنند. آنان با انجام کارهای نیک و شایسته همراه با باوری استوار و راستین، به حیاتی طیب و زندگی پاک دست می‌یابند که حاصل آن بشارت به سعادت دنیا و آخرت^۱ و دریافت نصرت و یاری پروردگار^۲ است.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم،

و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

«حیات طیب» به معنای زندگی پاکیزه و خالص از هرگونه آلودگی است.^۳ زندگی پاک، مرحله جدید و برتری از زندگی ظاهری است؛^۴ چراکه این مرتبه، شکوفایی مرتبه‌ای از مراتب روح است که با برخورداری از ایمان و کردار پسندیده جوانه می‌زند و از خاک حیات ظاهری دنیا سر برمی‌آورد. این زندگی، همان بُعد معنوی زندگی انسان‌ها است که بر پایه ایمان به خدا و عمل صالح استوار شده است. انسان‌های دربند خاک می‌توانند با پیوند زدن خود به خدا و تکیه بر کردار صواب خویش، رنگ جاودانگی به خود گرفته و زندگی دیگری را آغاز کنند.

آدمی با برخورداری از زندگی معنوی، در دریای محبت و قرب الهی غوطه‌ور می‌شود، در مسیر سعادت گام برمی‌دارد و افقی فراتر از دیگران را نظاره می‌کند. او اموری را درک می‌کند که دیگران تحمل آن را ندارند؛ چراکه با روحی از جانب خدا تأیید شده است:

أَوَلَمْ يَكُنْ لَكَ كِتَابٌ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ؛ در دل این‌هاست

که [خدا] ایمان را نوشته و آن‌ها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است.

براساس این رهنمود قرآنی، در مؤمن حقیقتی وجود دارد که زمینه سعادت

۱. یونس، ۶۴.

۲. غافر، ۵۱.

۳. نحل، ۹۷.

۴. راغب اصفهانی، مفردات، ج ۱، ص ۵۲۷.

۵. طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۳۴۱.

۶. مجادله، ۲۲.

همیشگی او را فراهم می‌کند. حقیقتی که دیگران از آن بهره‌ای ندارند و سزاوار است، نام زندگی بر این حقیقت نهاده شود، نه زندگی نباتی و حیوانی. بنابراین زندگی در دنیا دو بُعد «مادی و معنوی» دارد. انسان با ایمان و انتخاب درست می‌تواند همگام با برخورداری از زندگی مادی، به زندگی معنوی و به تعبیر قرآن به «حیات طیبه» یا «زندگی پاک» نیز دست یابد.

تصوّر ما این است که انسان‌ها دو دسته‌اند: مرده و زنده. چه کسانی را مرده می‌دانیم؟ کسانی که به صورت افقی زیر خاک هستند. چه کسانی را زنده می‌دانیم؟ کسانی که به صورت عمودی روی زمین هستند. اما قرآن این‌گونه نگاه نمی‌کند. در نگاه قرآن، مردگان دو دسته هستند: افقی‌های زیر خاک و بعضی از عمودی‌های روی خاک. به طور کلی به فرموده قرآن، انسان‌ها سه دسته هستند: **یک)** زنده: اعم از روی خاک یا زیر خاک. قرآن می‌فرماید:

أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱ زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

دو) مردگان: اینان دو دسته هستند: برخی از افقی‌های زیر خاک و بسیاری از عمودی‌های روی زمین. تنها انسان‌های خوب زنده‌اند و انسان‌های بد، حقیقتاً مرده‌اند، گرچه گمان کنند که زنده‌اند.

❁ مجموعه زندگی معنوی

مجموعه «زندگی معنوی» درس‌گفتارهایی است که طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۶ به مدت ۱۱ سال ارائه و هم‌اکنون با بازنگری و ویرایش، آماده عرضه شده است. این مجموعه، بر پایه اثر فاخر «منازل السائرین» از خواجه عبدالله انصاری، زندگی معنوی یا فرامادی را تبیین می‌کند. در این کتاب، اصول و ویژگی‌های زندگی معنوی به گونه‌ای عرضه شده است که نظامی منسجم و چارچوبی واحد و جامع را برای فهم خود ما و رفتارمان، چه از جنبه فردی و چه به لحاظ اجتماعی فراهم می‌آورد؛ از این رو، مناسب است اندکی با صاحب کتاب منازل السائرین و روش‌شناسی این اثر آشنا شویم.